

فصل ۴

تاب‌آوری کودکان در حوادث و بلایا

عباس استاد تقی‌زاده، خدیجه اکبری

اهداف یادگیری:

پس از مطالعه این فصل، انتظار می‌رود فراگیر بتواند:

- (۱) آسیب‌پذیری‌های کودکان در حوادث و بلایا را شرح نماید.
- (۲) ظرفیت‌ها و توانمندی‌های کودکان در بلایا را تبیین نماید.
- (۳) تاب‌آوری کودکان و راهکارهای افزایش تاب‌آوری در کودکان را شرح دهد.

مقدمه:

در حال حاضر، جهان با بسیاری از بلایای طبیعی و انسان‌ساخت روبرو شده است [۱] که با تأثیرات عمیق بر زندگی و زیرساخت‌های جوامع، میلیون‌ها نفر را تحت تأثیر قرار داده، سبب اختلال گسترده در جامعه، آوارگی، خسارت اقتصادی، خسارت دارایی‌ها، مرگ و جراحت و رنج عاطفی عمیق می‌شوند که برای غلبه بر آن‌ها به تلاش عظیم مردم، جوامع و جامعه جهانی نیاز است [۲].

خطر بلایا در سطح جهانی در حال افزایش است که عمدتاً در نتیجه تعامل پیچیده بین شرایط محیطی، جمعیت‌شناختی، فن‌آوری و اقتصادی - اجتماعی است. تغییرات آب‌وهوا، تخریب محیط‌زیست، رشد جمعیت، افزایش شهرنشینی، توسعه ناپایدار در مناطق مستعد خطر، فناوری‌های پرخطر و رشد نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، همگی به افزایش چشمگیر بلایا کمک کرده‌اند.

با افزایش دفعات و شدت حوادث در سراسر جهان، کودکان بیشتر در معرض خطر تأثیرات منفی بلایا قرار دارند. کودکان - که در اینجا طبق کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل افراد زیر ۱۸ سال تعریف شده است - نمایانگر بخش قابل توجهی از کسانی هستند که عواقب ویرانگر بلایا را تحمل می‌کنند [۳-۵].

به‌طور متوسط، تقریباً نیمی از افراد آسیب‌دیده از حوادث کودکان هستند [۶]. بلایا حقوق و زندگی میلیون‌ها کودک را در جهان، به‌ویژه در کشورهای با درآمد پایین و متوسط تهدید می‌کند [۷]. در پایان قرن بیستم، حدوداً ۵/۶۶ میلیون کودک هر سال تحت تأثیر بلایا قرار می‌گیرند. این تعداد احتمالاً در دهه دوم قرن بیست و یکم سه برابر می‌شود، و هر سال ۱۷۵ میلیون کودک در اثر حوادث ناشی از تغییرات آب‌وهوایی آسیب می‌بینند.

اگرچه بلایا در سرتاسر کره زمین اتفاق می‌افتد، اما تأثیرات آن به‌طور یکنواخت توزیع نشده است، ۹۸ درصد از افرادی که بیشتر تحت تأثیر قرار گرفته‌اند در کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند [۳] و در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، کودکان قسمت عمده‌ای از جمعیت و تعداد زیادی از تلفات بلایا را تشکیل می‌دهند [۸].

کودکان و جوانان به شدت تحت تأثیر بلایا قرار می‌گیرند، کودکان در مکان‌های پرخطر مانند دشت‌های سیل‌خیز، مناطق ساحلی و مناطق زلزله‌زده زندگی می‌کنند و نسبت به گروه‌های دیگر افراد جامعه فقیرتر هستند [۹]. در مقایسه با بزرگسالان، کودکان ممکن است در برابر حوادث آسیب‌پذیرتر باشند یا پس از آن نیازهای مختلفی داشته باشند که توجه ویژه‌ای را طلب می‌نماید [۶].

این واقعیت تلخ را حوادث گوناگون از جمله سونامی اقیانوس هند ۲۰۰۴ نشان می‌دهد که در آن بیشترین تعداد کشته‌ها زنان و افراد زیر ۱۵ سال بودند [۸]. علی‌رغم این ارقام، محققان و مسئولان در طول تاریخ از تجربیات و نیازهای کودکان در بلایا چشم‌پوشی کرده‌اند. عدم تمرکز روی کودکان ممکن است تا حدی به این فرضیه رایج - و اشتباه - مربوط شود که کودکان تحت تأثیر جدی بلایا قرار نگرفته و واکنش‌هایشان زودگذر است.

اندرسون ادعا می‌کند تحقیقات علوم اجتماعی در حوزه بلایا در خصوص کودکان تا حدی به دلیل وضعیت آن‌ها در جامعه عقب مانده است: (۱) کودکان موضوعات و دستور کار تحقیق را تعیین نمی‌کنند. (۲) کودکان تحقیق نمی‌کنند. (۳) کودکان در سیاست‌گذاری یا جایگاه‌های اصلی مرتبط نیستند که نیاز به چنین تحقیقاتی را بینند و در نتیجه از آن پشتیبانی نمایند.

نیازهای کودکان در فعالیت‌های برنامه‌ریزی و آمادگی برای پاسخگویی در برابر حوادث نادیده گرفته می‌شود. این عمدتاً تابعی از کمبود قدرت در بیان نگرانی‌های کودکان و این واقعیت است که اکثر متخصصان بلایا فاقد تخصص خاص کودک یا رشد کودک هستند [۴،۳].

استثنا کردن کودکان از روند برنامه‌ریزی بلایا، ایمنی آن‌ها را هنگام بروز بلایا تهدید می‌کند و منبع ارزشمندی را برای ارتباطات، آموزش، حمایت و فعالیت‌های عملیاتی برای کاهش خطرات نادیده می‌گیرد [۸].

درک آسیب‌پذیری‌های کودکان در حوادث و بلایا

کودکان و جوانان قبل، حین و بعد از بلایا آسیب‌پذیر هستند. در بلایا، بسیاری از کودکان و جوانان اختلالات همزمان و مداوم در خانواده‌های خود، مدرسه، مسکن، بهداشت و دسترسی به خدمات بهداشتی، دوستی و سایر زمینه‌های اصلی زندگی خود را تجربه می‌کنند. بسیاری از آن‌ها در معرض خطر جدایی از سرپرستان، آوارگی طولانی‌مدت، جراحات، بیماری و حتی مرگ هستند.

در برنامه‌ریزی برای حوادث، غالباً این فرض وجود دارد که والدین از فرزندانشان در یک حادثه محافظت خواهند کرد، اما با این وجود کودکان وقتی در مدرسه، مراکز نگهداری از کودکان، تنها در خانه، با دوستان و محل کار خود هستند، از والدین جدا می‌شوند.

کودکان از منابع و استقلال لازم برای آمادگی در برابر بلایا برخوردار نیستند، بنابراین اغلب آن‌ها برای تصمیم‌گیری در مورد تخلیه، ایمن‌سازی سرپناه و تأمین منابع

به بزرگسالان متکی هستند کودکان همچنین ممکن است پس از بلایا دیده نشوند یا در بیان ناراحتی خود به بزرگسالان مشکل داشته باشند. کودکان و جوانان - هرچقدر هم شخصاً مقاوم باشند - بدون منابع لازم و حمایت اجتماعی نمی‌توانند در بلایا به طور کامل بهبود یابند [۹].

بسته به سن و مرحله رشد، کودکان ممکن است به اشکال مختلف حمایت جسمی، اجتماعی، روحی و عاطفی نسبت به بزرگسالان در زندگی خود نیاز داشته باشند. تحقیقات نشان داده است که بزرگسالان اغلب مشکلات و نیازهای کودکان را دست کم می‌گیرند. علاوه بر این، هنگامی که والدین، معلمان و سایر بزرگسالان حواسشان پرت است و یا پریشان می‌شوند، ممکن است نتوانند از کودکان مراقبت و حمایتی کنند که به ایجاد احساس امنیت در وی کمک کند [۳].

کارولین کوسکی سه راه را در نظر می‌گیرد که بلایای طبیعی ممکن است به کودکان به طور نامتناسبی آسیب برساند که اغلب اثرات طولانی مدت دارند:

- اول، بلایا می‌توانند به سلامت جسمی کودکان آسیب برسانند. کودکان ممکن است زخمی یا کشته شوند، اما ممکن است از مواردی مانند سوء تغذیه ناشی از اختلال در تأمین غذا یا بیماری اسهال ناشی از آب آلوده رنج ببرند. علاوه بر این، بلایا می‌توانند دسترسی به مراقبت‌های پزشکی را حتی در مورد بیماری‌های غیر مرتبط با بلایا نیز قطع کند.
- دوم، بلایا می‌توانند مشکلات روانی ایجاد کنند. نه تنها خود بلایا استرس آور و ترسناک هستند، بلکه کودکان می‌توانند از صدمه به خانه و دارایی‌هایشان آسیب روانی ببینند. از مهاجرت، از غم از دست دادن عزیزان، از دیدن والدین یا مراقبین تحت استرس، از غفلت و سوء استفاده و از خرابی در شبکه‌های اجتماعی، محله‌ها و اقتصاد محلی.
- سوم، بلایا می‌توانند با جابه‌جایی خانواده‌ها، تخریب مدارس، و هل دادن کودکان به سمت نیروی کار برای کمک به خانواده‌هایشان در شرایط سخت و دشوار بلایا به تحصیل کودکان آسیب برساند [۶].

این تأثیرات منفی بلایا ممکن است در کوتاه مدت و بلند مدت عواقب شدیدی بر سلامت جسمی کودکان و بهزیستی عاطفی و فکری آن‌ها داشته باشد [۳].

جدول شماره ۱- انواع آسیب‌پذیری کودکان در مواجهه با بلایا [۳]

آسیب‌پذیری آموزشی	آسیب‌پذیری فیزیکی	آسیب‌پذیری روان‌شناختی
- از دست دادن مدرسه - عملکرد تحصیلی ضعیف - عدم تکمیل فرآیند آموزش - تأخیر در پیشرفت تحصیلی	- مرگ - جراحات - بیماری و ناخوشی - سوء تغذیه - شوک/استرس گرمایی - سوء استفاده جسمی و جنسی	- اختلال استرس پس از حادثه (PTSD) - افسردگی - اضطراب - اختلال عاطفی - اختلال خواب - شکایات جسمی - مشکلات رفتاری

جدول شماره ۲- عوامل تأثیرگذار بر آسیب‌پذیری کودکان در بلایا [۳]

آسیب‌پذیری آموزشی	آسیب‌پذیری فیزیکی	آسیب‌پذیری روان‌شناختی
- تخریب ساختمان‌های مدرسه - آوارگی دانش‌آموزان و معلمان - از دست دادن سوابق ضروری - ثبت نام با تأخیر - تغییرات چندگانه در مدرسه - بی‌ثباتی خانواده - محیط‌های مدارس ناخوشایند/غیر پشتیبانی‌کننده - عملکرد ضعیف تحصیلی قبل از بلایا - از دست دادن والدین - افزایش تقاضای کار	- زندگی در جوامع فقیرنشین - در مناطق مستعد خطر - زندگی در مدرسه/رفتن به آن در ساختارهای غیراستاندارد - از دست دادن والدین - جدایی از خانواده - ویژگی‌های کودک (سن، جنس) - سایز بدنی، قدرت، مرحله رشد - رژیم غذایی نامناسب - پریشانی والدین - پناهگاه ناامن/غیر بهداشتی - محیط‌ها	- تهدید زندگی - جدایی خانواده - مرگ یکی از عزیزان - ضرر مادی - آسیب به خانه/مدرسه - ویژگی‌های کودک (نژاد، سن، جنسیت) - پریشانی والدین - سطح پایین حمایت اجتماعی - مهارت‌های منفی کنار آمدن - جابه‌جایی - عملکرد ضعیف قبل از بلایا

البته واکنش کودک در برابر بلایا بسته به شرایطی از قبیل: ۱- میزان مواجهه با بلایا ۲- میزان حمایت در هنگام بلایا و بعد آن و ۳- میزان آسیب شخصی و اختلال اجتماعی بسیار متفاوت است. علاوه بر این، پاسخ و سازگاری کودک تحت تأثیر مرحله رشد کودک، درجه وابستگی به بزرگسالان، خصوصیات فردی و تجربیات قبلی کودک منحصر به فرد است [۲].

موقعیت اجتماعی - مانند طبقه اجتماعی، نژاد، جنسیت، محله، منابع و شبکه‌ها - قبل از بلایا اغلب، حداقل تا حدی، بسیاری از نتایج کودکان پس از بلایا را تعیین می‌کند.

به عبارت دیگر، سن با بسیاری از عوامل دیگر تلاقی می‌یابد. به عنوان مثال دختران، در برخی از موقعیت‌های پس از بلایا در معرض خطر خشونت جنسی و استثمار قرار دارند. علاوه بر این، تجربه کودک در بلایا می‌تواند تحت تأثیر زبان، نوع مسکن، وضعیت مهاجرت، وضعیت حقوقی و معلولیت باشد. کسانی که در فقر زندگی می‌کنند در آماده‌سازی برای مقابله با حوادث توانایی کمتری دارند، منابع تخلیه ندارند و در خانه‌های با کیفیت پایین زندگی می‌کنند که توانایی تحمل بلایا را ندارند؛ بنابراین، بسیار مهم است که محیط کودک را قبل و بعد از بلایا در نظر بگیریم، درک کنیم که برخی از کودکان آسیب‌پذیری تجمعی، یا تجمع عوامل خطر را تجربه می‌کنند، و ممکن است بلایا در کنار بحران‌های دیگر، مانند خشکسالی، اپیدمی، بی‌ثباتی سیاسی، خشونت یا بحران خانوادگی مانند طلاق یا مرگ رخ دهد [۹].

درک ظرفیت و توانمندی‌های کودکان در حوادث و بلایا

کودکان و جوانان حتی اگر آسیب‌پذیر باشند، ظرفیت‌ها، مهارت‌ها و نقاط قوت مهمی را نشان می‌دهند، زیرا قبل و بعد از وقوع بلایا به خود و دیگران کمک می‌کنند. غالباً، کودکان به عنوان در مانده، منفعل و ناتوان ترسیم می‌شوند. اما کودکان و جوانان موجودات اجتماعی خلاق و عوامل فعالی هستند و آن‌ها نقش مهمی در فعالیت‌های آمادگی و بهبود خانواده و اجتماعات خود داشته‌اند.

ظرفیت‌های کودکان در چرخه بلایا تا همین اواخر تا حد زیادی نادیده گرفته شده است. با پیشرفت تحقیقات در مورد کودکان و نوجوانان در معرض بلایا، توجه بیشتری به این مسئله شده است که کودکان نه تنها قربانیان منفعل نیستند، بلکه عوامل فعالی نیز هستند که می‌توانند نقشی مهم در کاهش خطر بلایا داشته باشند [۹].

کودکان و جوانان می‌توانند در خانه‌ها، مدارس و جوامع خود در فعالیت‌های آمادگی در برابر حوادث شرکت کنند. این کودکان سپس ممکن است اطلاعات مربوط به خطر را به همسالان و اعضای خانواده خود منتقل کنند. همچنین ممکن است ایده‌های عملی و خلاقانه‌ای برای کمک به خانواده‌ها و جوامع خود برای بهبودی از بلایا داشته باشند [۵، ۴].

اکنون شواهد بیشتری در مورد روش‌های کمک کودکان به همسالان خود،

اعضای خانواده خود، مدارس، سازمان‌هایی که به آن‌ها تعلق دارند و جوامع آن‌ها قبل، حین و بعد از بلایا وجود دارد [۱۰].

کودکان و جوانان بسته به سن و شرایط خود می‌توانند در جستجو و نجات، سازماندهی، اشتراک اطلاعات و هماهنگی در شبکه‌های اجتماعی و سایر کارها کمک کنند.

به عنوان مثال، مونی و همکارانش (۲۰۱۷) پس از زمین‌لرزه‌های کاتربری در ۲۰۱۲-۲۰۱۰ در نیوزیلند دریافتند که کودکان با استفاده از استراتژی‌هایی مانند تنظیم عاطفه، حل مسئله و تغییر شکل مثبت، به طور مؤثری در شرایط بلایا مقابله می‌کنند.

کودکان و جوانان گاهی اوقات قادر به ارائه حمایت عاطفی حیاتی و گرمابخش به یکدیگر هستند. آن‌ها قادر به همدردی با هم سن و سالان خود، آسایش خواهر و برادر کوچک‌تر خود و گوش شنوایی برای کودکان و جوانان دیگر هستند. آن‌ها همچنین از بزرگسالان پشتیبانی عاطفی می‌کنند [۹].

در تحقیقات Fothergill and Peek (۲۰۱۵) پس از طوفان کاترینا، روش‌هایی را ارائه می‌دهند که کودکان به بزرگسالان، سایر کودکان و خود کمک می‌کنند. چند مورد در میان بسیاری از تلاش‌های آنان شامل کمک به خویشاوندان در هنگام تخلیه، مراقبت از کودکان کوچک‌تر در پناهگاه‌ها، نقاشی کردن، آواز خواندن و نگهداری و ثبت دفتر وقایع روزانه برای کنار آمدن با خود بود. تحقیقات نشان داده است که این تلاش‌ها شاید به‌ویژه مؤثر باشد اگر آن‌ها آمادگی فردی را با آمادگی در مدارس و جامعه ارتباط دهند [۱۰].

در صورت فرصت، کودکان و جوانان می‌توانند پیشگام اقدامات مهم کاهش خطر بلایا و بازسازی باشند. توجه به آسیب‌پذیری‌ها و ظرفیت‌های کودکان در حوادث باید یک اولویت تحقیق و سیاست باشد [۹].

به همین دلیل، باتوجه به اهمیت دیدگاه‌های کودکان، سند جدید "چارچوبی برای کاهش خطر بلایای طبیعی" ۲۰۱۵-۲۰۳۰ (SFDRR) تأکید می‌نماید که ظرفیت کودکان باید در برنامه‌های کاهش خطر بلایا استفاده شود [۷].

ارتقای تاب‌آوری کودکان در حوادث و بلایا

روند روبه‌افزایش خطرات و مخاطرات در سال‌های اخیر، سیاست‌گذاران و محققان را به سمت مفاهیم تاب‌آوری و کاهش خطر بلایا (DRR) برای کاهش خطرات ناشی از بلایا سوق داده است.

در دهه اخیر، چارچوب‌های سازمان ملل مانند Sendai و Hyogo که بر DRR

متمرکز شده‌اند، ارزش اصلی را در ادبیات تاب‌آوری متمرکز بر کودکان در جوامع تاب‌آور در برابر بلایا می‌خوانند [۱].

می‌توان با بهبود دسترسی کودکان به منابع و اطلاعات، توانمندسازی آنان از طریق تشویق به مشارکت در فعالیت‌های آمادگی و مقابله با حوادث، تاب‌آوری کودکان را تقویت نمود - و به‌طور گسترده آسیب‌پذیری آن‌ها را کاهش داد [۳].

تاب‌آوری به‌عنوان فرآیند توانایی سازگاری موفقیت‌آمیز در موقعیت‌های تهدیدآمیز توصیف می‌شود. به عبارت دیگر، یک تعدیل مثبت در پاسخ به شرایط نامساعد است [۱]. تعاریف زیادی از تاب‌آوری در برابر بلایا ارائه شده است، اما به‌طور کلی، تاب‌آوری به‌عنوان توانایی یک فرد، جامعه، یا سیستم در معرض تهدید برای مقاومت، جذب، سازگاری و بازیابی به‌موقع و مؤثر از اثرات آن تعریف می‌شود. ایجاد تاب‌آوری به معنای افزایش تأکید بر آنچه افراد و جوامع می‌توانند برای خود انجام دهند و اینکه چگونه می‌توانند توانایی‌های خود را تقویت کنند، به‌جای آنکه بر آسیب‌پذیری در برابر بلایا یا نیازها در موارد اضطراری تمرکز نمایند [۱۱].

آسیب‌پذیری و تاب‌آوری مفاهیم مرتبط هستند. با این حال، مهم است به یاد داشته باشید که تاب‌آوری نقطه مقابل آسیب‌پذیری نیست و فقط به این دلیل که بچه‌ها در بلایا آسیب‌پذیر هستند به این معنی نیست که ذاتاً مقاوم و تاب‌آور نیستند [۳].

تاب‌آوری در کاهش خطر بلایا به نظر می‌رسد تا به‌جای تمرکز بر آسیب‌پذیری، بیشتر به توانایی انسان توجه دارد. به نظر می‌رسد تاب‌آوری کودک، بهترین روش برای کاهش آسیب‌پذیری است [۱].

با تمرکز بر توسعه تاب‌آوری کودکان، ما همچنین بر تاب‌آوری خانواده‌ها و کل جوامع نیز می‌افزاییم. چرا که وقتی کودکان آسیب‌پذیر هستند، جوامع نیز در برابر اثرات بلایا آسیب‌پذیرتر هستند. کودکانی که در مورد خطرات، هشدارها، تخلیه و سایر رفتارهای محافظتی ناآگاه هستند، هنگام وقوع بلایا احتمالاً بیشتر در معرض خطر مرگ و جراحت قرار دارند.

پس از بلایا نیز، هنگامی که کودکان فاقد احساس طبیعی باشند و از نظر جسمی و روحی رنج می‌برند، اگر غیرممکن نباشد، برای اعضای خانواده و جوامع دشوار است که روند بهبود را شروع کنند.

با افزایش وقایع و حوادث ناشی از حوادث در سرتاسر جهان، از اهمیت بیشتری برخوردار است که محققان روش‌های جدیدی برای یادگیری و کار با کودکان ایجاد نمایند تا زندگی آن‌ها ایمن‌تر و جوامع آن‌ها در برابر بلایا تاب‌آورتر شوند [۳، ۴]. از آنجاکه

محققان اتفاق نظر دارند که کودکی بهترین زمان برای ایجاد تاب‌آوری است، لازم است پتانسیل و ظرفیت‌های تاب‌آوری کودکان را برای کاهش خطر بلایا در نظر بگیریم [۷]. اگرچه مطالعات زیادی در مورد تاب‌آوری انجام شده است، اما به نظر می‌رسد تاب‌آوری کودکان در حوادث یک حوزه مهم است که باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد [۱]. ایجاد تاب‌آوری در کودکان و جوانان نیاز به درک عواملی دارد که در ایجاد خطر بلایا تأثیر می‌گذارند. برای این امر، پدیده‌هایی که تهدیدها را تشکیل می‌دهند، اعم از طبیعی یا انسانی، باید قابل درک و آسیب‌پذیری‌هایی که کودکان، نوجوانان و جوانان در معرض آن هستند، باید شناسایی و اندازه‌گیری شود. همچنین ضروری است که تأثیرات کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت بلایا بر رشد این جمعیت و تأثیر آن بر پیشرفت عادلانه، برابری و پایداری کشورها تعیین شود. تأکید بر اینکه کودکان، نوجوانان و جوانان مشمول حقوق هستند بسیار ضروری است، بنابراین باید شرایط لازم برای رشد آن‌ها (غذا، بهداشت، آموزش، مسکن، تفریح و...) فراهم شود. آن‌ها باید در برابر هر نوع شرایطی که شأن یا سلامت جسمی یا روانی آن‌ها را به خطر بیندازد، محافظت شوند. مشارکت فعال آن‌ها به عنوان عوامل تغییر باید مورد تشویق و اطمینان قرار گیرد، خواه در معرض خطر بلایا باشند یا تحت تأثیر شرایط اضطراری یا بلایا قرار گیرند. باید قبل، هنگام و بعد از تأثیر بلایا مورد توجه قرار گیرند [۱۱].

درج اطلاعات کاهش خطر بلایا در برنامه درسی مدارس یک روش عالی برای دستیابی کودکان است. به منظور آموزش کودکان در مورد بلایا و درگیر کردن آن‌ها در فعالیت‌های آمادگی، مواد متناسب با سن باید از طریق چاپ‌های مختلف و الکترونیکی و رسانه‌ها تولید و پخش شود. می‌توان سیستم‌هایی ایجاد کرد که صدای کودکان را در فرایندهای تصمیم‌گیری در برگیرد، این امر می‌تواند به برنامه‌ریزی جامع‌تر مبتنی بر جامعه برای بازیابی بلایا کمک کند [۳].

مداخلات برای ارتقا سلامت عاطفی و محافظت از کودکان نیز در برابر پیامدهای نامطلوب باید از دیدگاه تاب‌آوری در نظر گرفته شود و اغلب می‌تواند شامل تقویت عوامل حمایتی در محیط‌زیست اجتماعی کودک باشد. اصل مهم بر بازگرداندن ایمنی و روال زندگی کودک و تقویت احساس عاملیت و خودکارآمدی است. چنین مداخلات می‌تواند شامل آموزش بزرگسالانی باشد که مراقبت‌هایی را انجام می‌دهند (والدین، معلمان، متخصصان اطفال و سایر کارکنان

متخصص) در مورد چگونگی کمک به کودک مضطرب و چگونگی افتراق بین واکنش‌های انطباقی طبیعی و غیرطبیعی.

دانستن زمان مداخله نیز مهم است، زیرا تجارب نامطلوب در دوران کودکی با خطر بالاتر اختلالات بعدی عاطفی و رفتاری همراه است. مداخلات باید در یک سیستم پاسخ چندلایه واقع شود که در سطوح مختلف کار می‌کند، مانند پشتیبانی فردی از کسانی که به آن نیاز دارند، و همچنین تقویت سازوکارهای حمایت از خانواده و جامعه. آموزش متخصصان اطفال، پرستاران، سایر پرسنل متخصص و کارکنان مستقر در مدارس این امکان را فراهم می‌سازد که مدیریت مؤثر، مداخلات زودهنگام و پشتیبانی از کودکان و خانواده‌های آسیب‌دیده را به میزان قابل توجهی تقویت کند، به طوری که اکثر کودکان آسیب‌دیده عملکرد خود را تنظیم و بهبود بخشند [۲].

بیشتر مطالعات موافقت می‌کنند که تاب‌آوری یک مفهوم پیچیده و وابسته به زمینه است. مفهوم تاب‌آوری بین فرهنگ‌ها متفاوت است و شناسایی مؤلفه‌های تاب‌آوری برای تصمیم‌گیری و مداخلات در بلایا ضروری است. تاب‌آوری به بافت فرهنگی یک جامعه بستگی دارد، و اندازه‌گیری تاب‌آوری را به یک وظیفه چالش‌برانگیز تبدیل می‌کند. مفهوم تاب‌آوری انتزاعی است، برنامه‌ریزان بهداشتی و سیاست‌گذاران باید جنبه‌های عینی را روشن کنند و مؤلفه‌های تاب‌آوری کودکان در حوادث را بیان نمایند.

در مطالعه محمدی‌نیا و همکاران (۲۰۱۸) که در خصوص مؤلفه‌های تاب‌آوری کودکان ایرانی بیان شده است: اجزای تاب‌آوری به دودسته اصلی داخلی (روان‌شناختی، عاطفی، شناختی، عوامل روحی، معنوی، جسمی) و خارجی (اجتماعی و رفتاری) تقسیم شدند. همچنین نتایج نشان داد که ماهیت تاب‌آوری ذاتی و خارجی است و با تقویت این مؤلفه‌ها می‌توان تاب‌آوری کودکان را افزایش داد [۷].

بسیار مهم است که - با توجه به این که خطرات مربوط به بلایا همچنان افزایش می‌یابد - خلاهای دانش خود را پر کنیم و آسیب‌پذیری‌ها و توانایی‌های کودکان و جوانان را در بلایا درک کنیم.

امروزه دانشمندان از سراسر جهان با تمرکز بیشتری بر تجربیات کودکان و جوانان در حوادث متمرکز شده‌اند و این موضوع از نظر روش‌ها، سؤالات تحقیق و دیدگاه‌ها رشد کرده و از تنوع بیشتری برخوردار شده است.

اقدامات آمادگی مدارس در بلایا مانند آموزش معلمان، تغییر برنامه درسی، ایجاد تمرین‌های ایمنی و پروژه‌ها و برنامه‌های ابتکاری در نظر گرفته شده است. شناخت جدیدی از اهمیت کودکان در طرح‌ها و پروژه‌های DRR و درک بیشتر از چالش‌های

آوارگی وجود دارد. توجه بیشتر به نقش اساسی مدارس و مراکز نگهداری از کودکان برای آموزش خطرات به کودکان و قرار دادن مدارس در مرکز فرهنگ‌سازی فرهنگ ایمنی و پیشگیری بیشتر شده است.

اسنادی در مورد اهمیت حمایت فوری از اعضای خانواده به منظور کمک به کودکان وجود دارد و تشخیص می‌دهد که بسیاری از کودکان به دوستان، خانواده‌های بزرگ و مدافعان خود در جامعه گسترده‌تر نیز نیاز دارند. روش‌های تحقیقاتی که برای قرار دادن بیشتر کودکان در مرکز تحقیق، با هدف شنیدن صدای واضح‌تر و ایده‌های آن‌ها، پدید آمده است. همچنین قرار دادن تجربیات کودکان در یک زمینه فرهنگی و اجتماعی - اقتصادی گسترده‌تر مورد توجه است [۹].

این نکته ضروری است که برنامه‌ها و اقدامات کاهش خطرپذیری بلایا با محوریت هدایت کودکان، علاوه بر ایجاد فرهنگ ایمنی و تاب‌آوری و حمایت از کودکان برای کمک به پیشگیری و به حداقل رساندن اثرات بلایا، در دیدگاه بلندمدت می‌تواند جوانان را قادر سازد تا در آینده انتخاب‌ها و رفتارهای آگاهانه‌ای داشته باشند که نتیجه آن ایجاد جوامعی با توسعه پایدار است [۱۲].